

آینده آتش‌بس در غزه

محمد مهدی مظاهری
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اینکه چرا سازمان ملل و نهادهای مختلف آن و نیز جهان عرب و اسلام به‌رغم نشست‌های مختلفی که برگزار کردند، نتوانستند برای پایان دادن به فاجعه ضد انسانی که اسرائیل در غزه رقم زد، کاری انجام دهند، موضوع مهمی است که جادارد که حقوق دانان و تحلیلگران سیاسی بیشتری به آن پاسخ دهند، اما مسأله مهمی که شاید کمتر به طور مستقیم مورد بررسی قرار گرفته، نقش آمریکا در تداوم و توقف جنگ غزه است؛ آمریکایی که مهم‌ترین متحد و حامی اسرائیل است و برخلاف سایر بلوک‌های قدرت، ابزارهای مختلفی برای وادار کردن اسرائیل به پایان جنگ دارد. این کشور می‌تواند اسرائیل را به قطع کمک‌های تسلیحاتی، عدم پشتیبانی و دفاع در سازمان ملل متحد و یا توقف تلاش‌های طولانی مدتش برای عادی‌سازی روابط اسرائیل و کشورهای عربی تهدید کند. با این حال دولت جو بایدن چنین سیاستی را در قبال اسرائیل دنبال نمی‌کند؛ در واقع، این کشور نه تنها تاکنون از ابزارهای در دسترس خود استفاده نکرده؛ بلکه برای بیش از یک ماه هر نوع قطعنامه شورای امنیت برای توقف جنگ و آتش‌بس را نیز و تو کرد و در برابر اعتراضات داخلی و جهانی به کشتار بی‌رحمانه مردم غزه، به سکوت و البته گاهی هم شعارهای توخالی مبنی بر ضرورت حفظ جان غیر نظامیان بسنده کرد، اما سؤالی که پیش می‌آید این است که دلیل این رویکرد آمریکا چیست و مقامات دموکرات حاکم بر این کشور چه اهدافی را در غزه و منطقه غرب آسیا دنبال می‌کنند؟ به نظر می‌رسد دولت بایدن برای موضع‌گیری‌های خود در قبال جنگ حماس و اسرائیل یک هدف را مشخص کرده است: – حمایت صریح و بی‌چون چرا از اسرائیل برای جلب نظر یهودیان متنفذ و لابی صهیونیستی، جلوگیری از گسترش جنگ غزه به سایر کشورهای منطقه، آزادی گروگان‌های در اسارت حماس، کمک به کاهش تلفات غیر نظامیان برای حفظ آبرو و اعتبار آمریکا و اسرائیل. بر این اساس مشخص است که توقف جنگ میان حماس و اسرائیل در زمره اهداف آمریکان نیست؛ دلیل اصلی هم این است که آمریکا با هدف اسرائیل یعنی نابودی حماس، حتی در شرایطی که آینده روابط فلسطین و اسرائیل هم مشخص نیست، موافق است. آمریکا حماس را به عنوان یک سازمان تروریستی می‌شناسد که به زعم آنها یکی از نیروهای برهم زننده ثبات منطقه‌ای است و منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا را تهدید می‌کند. این گروه همچنین وجود اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و همین موضوع آن را به مانع اصلی راه حل دو کشوری بدل می‌سازد. از سوی دیگر حماس مورد حمایت معنوی ایران است و در نتیجه نابودی آن نه تنها به رفع تهدید علیه منافع آمریکا و اسرائیل کمک می‌کند؛ بلکه تضعیف جایگاه و موقعیت ایران در منطقه را نیز در پی دارد. در نتیجه چنین رویکردی است که دولت بایدن با اهداف ظاهراً بشردوستانه اسرائیل را برای قبول اعمال توقف‌هایی در حملات و همچنین تقب بیشتر در ارتخاد اهداف تحت فشار قرار می‌دهد، اما از آتش‌بس طولانی مدت پشتیبانی نمی‌کند. از منظر مقامات آمریکایی آتش‌بس کلی و توقف کامل درگیری‌ها در سراسر غزه به سود حماس است و این در حالی است که تنها نابودی یا دست کم تضعیف حماس در سطوح مختلف می‌تواند منافع ایالات متحده و اسرائیل را تأمین کند. البته دولت بایدن با فشارهایی از سوی هم حزبی‌های دموکرات خویش، مقامات عرب و حتی بعضی از دیپلمات‌های آمریکایی برای کمک به خاتمه حملات اسرائیل و پایان دادن به کشتار کور زنان و کودکان بی‌دفاع و حمله به اماکن غیر نظامی، مواجحه است و برای اتخاذ این رویکرد و حزش در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، به جلب نظر افکار عمومی داخلی آمریکا و گرفتن ژست‌های قهرمانانه در عرصه بین‌المللی نیاز دارد؛ با این اوصاف چه دلایلی سبب می‌شود آمریکا اسرائیل را برای قبول آتش‌بس دائم در جنگ با حماس تحت فشار نگذارد؟ پاسخ آن حد زیادی از روشن‌اشد، یاغی گری دولت راستگرای ننانپاهو و عدم تمکین وی به درخواست‌های جهانی و حتی متجددانش برای توقف جنگ، بر این اساس واقعیت این است که نتیجه سال‌ها جنگ‌ها یک‌هوا سفید امضا به اسرائیل دادن و سکوت در برابر سیاست‌های نژادپرستانانه و غیر انسانی اسرائیل و به ویژه دولت نتانیاهو در قبال مردم فلسطین این شده است که حال حتی اگر کاذب سفید هم به دلایل سیاسی داخلی خواستار توقف این نبرد باشد، احتمالاً اسرائیل تعبت نمی‌کند؛ کما اینکه دولت کنونی اسرائیل حتی در شرایط عادی تر هم از تبعیت از خواست اسرائیل محروم است و در زمینه توقف شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های فلسطینی کرانه باختری، سر باز زده است. بر این اساس مجموعه این شرایط یعنی منافع مشترک آمریکا و اسرائیل در نابودی یا تضعیف کامل حماس و البته عدم تمکین دولت نتانیاهو به پایان بی‌نیجه جنگ حکایت از آن دارد که آتش بس اخیر در غزه تداوم چندانی نخواهد داشت. با این وجود وقوع برخی تحولات مثل تداوم حملات پراکنده گروه‌های مقاومت به گونه‌ای که یک جنگ منطقه‌ای فراگیر آغاز نشود، اما امنیت و ثبات اسرائیل را به طور جدی و مداوم تهدید کند و سبب نارضایتی اجتماعی ساکنان سرزمین‌های اشغالی و افزایش هزینه‌های رژیم اسرائیل شود، می‌تواند روند جنگ را تغییر دهد.

کوتاه

نشست صلح و امنیت آفریقانشان از اهتمام به بازیابی هویت آفریقایی دارد

معاون سیاسی وزارت امور خارجه گفت: ابتکار برگزاری نشست دوره‌ای صلح و امنیت آفریقا نشان از اهتمام سنگال به بازیابی هویت آفریقایی و تحکیم استقلال کشورهای آفریقایی دارد. علی باقری معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشورمان در ادامه سفر خود به داکار، روز شنبه ۷ آذرماه با آماده مامه جوب رئیس مجلس ملی سنگال دیدار و گفت‌وگو کرد. در این ملاقات، معاون وزارت امور خارجه اظهار داشت: ابتکار برگزاری نشست دوره‌ای صلح و امنیت آفریقا نشان از اهتمام سنگال به بازیابی هویت آفریقایی و تحکیم استقلال کشورهای آفریقایی دارد. وی با اشاره به روابط دیرینه دو کشور و ظرفیت‌های کشورمان در زمینه‌های مختلف، خواستار تداوم و توسعه روابط در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و پارلمانی شد. باقری با اشاره به نقش و اهمیت همکاری‌های پارلمانی کشورهای اسلامی خواستار بکارگیری این ظرفیت در رابطه با احقاق حقوق مردم فلسطین و توقف جنایات رژیم صهیونیستی در غزه شد.

زهرا نژادبهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مدیریت شهری درباره آلودگی هوا هشدار هم نمی‌دهد

نباید سایه سیاست بر مدیریت

شهری سنگینی کند

تشکیل استان البرز نشان داد مشکلات تهران همچنان دست نخورده باقی ماند

آرمان ملی – احسان انصاری: مهم‌ترین چالش‌های کنونی شهر تهران چیست و شورای دوره ششم چه رویکردی برای حل این چالش‌ها در پیش گرفته است؟ چرا معضل آلودگی هوا همچنان پس از سال‌ها سلامت شهروندان را به مخاطره انداخته و مرجعی برای رسیدگی به این معضل وجود ندارد؟ آیا تقسیم تهران به استان‌های کوچک‌تر می‌تواند مشکلات تهران را کاهش بدهد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر زهرا نژادبهرام، عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده است. نژادبهرام معتقد است: ورود به عرصه استان سازی که نمونه آن استان البرز است نه تنها مشکلات و مسائل تهران و شهرهای پیرامونی را مر تفع نکرد، بلکه به دلیل ایجاد ساختارهای متفاوت مدیریتی مسائل بر زمین مانده آن هنوز گریبانگیر دو شهر و پیرامون آنهاست. بدون تردید بی‌توجهی به حل مشکلات تهران و بی‌دقتی نسبت به اتصال مشکلات و مسائل این شهر با شهرهای پیرامونی و استان‌های همجوار و منفرد دیدن مسائل این شهر منجر به بروز طرح‌های متفاوت با توجیه منافع شهروندان شهرهای دیگر، توجیهی بیرونی برای تصمیمات سیاسی و بی‌تصمیمی برای یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با تقسیمات کشوری یعنی توجه به مجموعه شهری تهران است. در واقع تجربه تشکیل استان البرز برای تهران و کرج نشان داد که حل مسأله با ایجاد تاسیسات جدید دولتی شکل نمی‌گیرد بلکه با هماهنگی و برنامه ریزی مشترک امکان پذیر است.» در ادامه محاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین چالش‌های شهر تهران را در شرایط کنونی چه می‌دانید و به چه میزان مدیریت شهری دوره ششم را در رفع این چالش‌ها موفق می‌دانید؟

آلودگی، ترافیک سرسام‌آور، مسکن گران قیمت، باغ‌های حذف‌شده، دستفروشان بی‌سامان، کودکان کار و خیابان، مدارس فرسوده، کودکان بازمانده از تحصیل، نامناسب‌سازی فضای شهری و محرومیت، بخش بزرگی از جمعیت شهری، بافت‌های فرسوده در انتظار نوسازی، تراکم‌های غیر مجاز و بی‌قوارگی شهری چمלקی انبوه مسائل حل‌نشده‌ای است که امروز مدیریت شهری با آنها مواجه است. در چنین شرایطی کانون‌های متعدد تصمیم‌گیری از وزارتخانه‌های مختلف گرفته تا نهادهای بالادستی و متصل به قوای سه‌گانه هریک جداگانه نقشه‌های متفاوتی برای شهر تهران تدارک می‌بینند و بعضاً هریک منافع سازمانی و گروهی خود را بر مسائل مبتلا به شهر، در اولویت قرار می‌دهند. به همین دلیل نیز شهروندانی که در گرداب تصمیم‌گیری‌های متفاوت و گاهی متضاد و ناهماهنگ گرفتار شده‌اند هزینه سنگینی را در شهر پرداخت می‌کنند. در واقع بی‌تصمیمی شاید برای این شهر بهتر باشد تا تصمیم‌گیری‌های متصل به منافع سازمانی و گروهی که منجر به عمیق‌تر شدن مشکلات می‌شود. در همین ارتباط توجه به این مهم که گستردگی شهر و ضرورت یکپارچه دیدن مسائل آن به دلیل پیوستگی هویتی و اداری و منافع مشترک، الزام به ایجاد رویکرد واحد در شهر را گوشزد می‌کند، اما به دلیل سنگینی وزنه قدرت و پراکندگی آن در شهر مقاومت جدی شکل می‌گیرد و مسائل شهری همچنان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود؛ به عبارت دیگر، در برابر سیل مطالبات بر زمین مانده تنها مدیریت شهری است که باید پاسخگو باشد. شهر تهران با داشتن بیش از ۱۲ میلیون نفر جمعیت در روز، اکنون درگیر گردابی از ابر بحران‌های زیستی و اجتماعی و اقتصادی است که نیازمند رویکردی واحد برای حل آن است. با این وجود، عملاً طی یک دهه گذشته ثابت شده که هر تلاشی برای هماهنگی تصمیم‌گیری‌ها پاسخ‌مطلوبی را در بر نداشته است.

آیا با توجه به شرایط موجود، مدیریت شهر تهران تحت تأثیر مدیریت سیاسی قرار دارد که همچنان چالش‌های آن مر تفع نشده است؟

برای هر قدرتی است، هر چقدری وجود دارد سیاست معنا پیدا می‌کند. مدیریت شهری اعم از بخش اجرایی و پارلمانی چون بر بستر قدرت نقش ایفا می‌کنند، طبیعتاً سیاسی است، اما اینکه این امر زانده‌ای ناجیب بدنامی با حقیقتی انکارناپذیر نیازمند بحث است. مدیریت شهری امروزه در قالب حکمرانی محلی در افکار و نوشتار و نیازها و انتظارات مورد گفت‌وگو است. در ایران نیز مسأله مدیریت شهری به معنای کلی آن به تعبیری حکمرانی محلی یا حکومت محلی مورد توجه است. مفهوم حکمرانی محلی از حاکمیت و حکومت اخذ شده و این مهم در پیوندی جدی با مفهوم سیاست است. از این‌رو مسأله مدیریت شهری به رغم همه نوع تخصص مورد نیاز که لازمه زندگی شهری است و به رغم همه نیازهای شهروندان که زندگی در شهر را تعریف می‌کند امری سیاستمدارانه یا سیاست ورزی به حساب می‌آید. اما گونه آن شاید متفاوت با امر سیاست ورزی و سیاستمداری در قالب

آلودگی هوا، ترافیک سرسام‌آور، مسکن گران قیمت، باغ‌های گمشده و حذف‌شده، دستفروشان بی‌سامان، کودکان کار و خیابان، مدارس فرسوده، کودکان بازمانده از تحصیل، نامناسب‌سازی فضای شهری و محرومیت، بخش بزرگی از جمعیت شهری، بافت‌های فرسوده در انتظار نوسازی، تراکم‌های غیر مجاز و بی‌قوارگی شهری چمלקی انبوه مسائل حل‌نشده‌ای است که امروز مدیریت شهری با آنها مواجه است

خبر

مختصات جغرافیای سیاسی جدید منطقه با محوریت هسته‌های مقاومت

ادامه از صفحه ۱۲ | ایشان از جمله اقدامات سال‌های دور و نزدیک آمریکا برای تسلط بر منطقه را تقویت رژیم صهیونیستی و تشویق کشورها به ارتباط با آن خواندند و افزودند: یک نشانه واضح و آشکار آمریکازدایی از منطقه، حادثه عمیقاً تاریخ‌ساز طوفان الاقصی است که اگرچه علیه رژیم صهیونیستی بود اما در جهت آمریکازدایی است؛ زیرا جدول سیاست‌های آمریکا را در منطقه به هم ریخته و با استمرار آن، جدول سیاست‌های آمریکا در منطقه محو خواهد شد. «به هم ریختن دو گانه‌های جعلی و تمحیلی در منطقه» خصوصیت دیگر غرب آسیای جدید است که رهبر انقلاب با اشاره به آن گفتند: دو گانه‌های «عرب و غیر عرب»، «شیعه و سنی» و افسانه هلال شیعی، رنگ باخته که نمونه واضح آن در قضیه فلسطین است چرا که در طوفان الاقصی و قبل از آن، بیش‌ترین کمک را به فلسطینیان شیعیان عرب و غیر عرب کرده‌اند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای افزودند: در مقابل آن دو گانه‌های تمحیلی، دو گانه جدیدی به نام «مقاومت و تسلیم» بر منطقه حاکم شده است و امروز جریان مقاومت یعنی تسلیم نبودن در برابر «ژورگویی، زیاده‌خواهی و دخالت‌های آمریکا»، یک جریان واضح در منطقه است. ایشان «حل مسئله فلسطین» را خصوصیت دیگر غرب آسیای جدید و در حال شکل‌گیری دانستند و افزودند: مسئله فلسطین به توفیق الهی به سمت حل شدن یعنی تشکیل حاکمیت فلسطینی در همه سرزمین فلسطین در حال حرکت است. مقام معظم رهبری با اشاره به طرح و منطق دنیاپسند، قابل قبول و متمدنامه جمهوری اسلامی برای فلسطین یعنی هم‌پرسی از همه فلسطینی‌ها، گفتند: غیر از اشغالگران، همه فلسطینی‌ها چه ساکنان فلسطین چه ساکنان کشورهای همسایه و اردوگاه‌ها و مناطق دیگر باید بتوانند برای اداره فلسطین نقش دهند البته برخی می‌گویند رژیم صهیونیستی زیر بار این طرح نمی‌رود اما باید این اراده به آن تحمیل شود و اگر این طرح دنبال شود که آن‌اشاء... دنبال خواهد شد و اگر هسته‌های مقاومت، اراده و عزم خود را به طور جدی دنبال کنند، این هدف محقق خواهد شد.

رژیم صهیونیستی نمی‌تواند طوفان الاقصی را از بین ببرد

ایشان با اشاره به انتساب یک نظر دروغ به جمهوری اسلامی ایران از زبان برخی‌ها در دنیا مبنی بر اینکه در ریختن یهودیان و صهیونیست‌ها برای حل مسئله فلسطین، گفتند: نظر جمهوری اسلامی به دربار ریختن کسی نیست بلکه این اسلامی به دربار ریختن کسی نیست بلکه این است که باید دولتی با نظر مردم فلسطین تشکیل شود و درباره این گونه افراد نیز همان دولت تصمیم بگیرد. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با تأکید بر اینکه حادثه مهم و بی‌نظیر طوفان الاقصی باعث نزدیک شدن اهداف و تسهیل راه شده است، گفتند: رژیم صهیونیستی که اعصابش از این طوفان کتک پاره شده، برای خاموش کردن آن دست به بمباران بیمارستان و مدرسه و جمعیت‌های مردمی و کشتن کودکان کرد که البته با این جنایت‌ها نتوانسته و نخواهد توانست طوفان الاقصی را از بین ببرد. ایشان با اشاره به ناکامی رژیم صهیونیستی در همه اهداف خود در این جنگ، تأکید کردند: این شکست با عصبانیت و وحشی‌گری‌ها جبران نمی‌شود بلکه اینگونه اقدامات باعث بی‌آبرویی بیشتر رژیم صهیونیستی و آمریکا و حتی بی‌بروبی فرهنگ و تمدن غرب شده است. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با تقبیح موضع‌گیری یکی از سران غربی در زمینه توجه جنایت‌های رژیم صهیونیستی با عنوان «دفاع از خود»، گفتند: فرهنگ و تمدن غربی این است که اسم به شهادت رساندن ۵ هزار کودک فلسطینی و استفاده از بمب فسفری را دفاع از خود می‌گذارند؛ بنابراین فرهنگ غرب هم در این قضیه بی‌آبرو شد. مقام معظم رهبری فجایع ۵۰ هزار گذشته را فشرده ۷۵ سال صهیونیست‌ها در جهت صهیونیست‌ها در فلسطین خواندند و افزودند: کشتار و آواره کردن مردم اعم از زن و کودک و شهرک‌سازی با ویران کردن خانه‌ها و مزارع فلسطینیان از جمله جنایت‌های مستمر اشغالگران در این ۷۵ سال بود که همه آن جنایت‌ها را به صورت شهادت در این ۵۰ روز نیز انجام دادند. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای همچنین تأکید کردند: طوفان الاقصی خاموش‌شدنی نیست و آن‌اشاء... این وضع نیز ادامه نخواهد یافت. بخش پایانی سخنات حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به بیان توصیه‌های کاربردی به سازمان بسیج و همه بسیجیان اختصاص داشت. بصیرت افزایی، داشتن ابتکار عمل در مسائل مهم، پرهیز از بازی در زمین دشمن، امیدواری مستمر به آینده با تکیه بر پیشرفت‌های حقیقی کشور در شدیدترین تحریم‌ها و فشارها، پرهیز از غرور، قدردانی نعمت بسیجی بودن و آن را امانت گران‌بهای خدا دانستن، توکل همیشگی بر پروردگار، جذب «نیروهای طراح» در کنار نیروهای عملیاتی و اهمیت دادن بیشتر به تدبیر و فکر و طراحی، از جمله توصیه‌های ایشان به بسیج و بسیجیان بود. مقام معظم رهبری همچنین پرهیز از دوقطبی‌های کاذب را مورد تأکید قرار دادند و افزودند: برخی اظهارات در فضای مجازی و جدا کردن مردم از تعهدات عوامی مانند «طرفدار این یا آن»، «واقعاً گله داره؛ کسائی که دین و مبنائی و انقلاب و ولایت قبیله را قبول دارند، با هر اختلاف سلیقه برادرهای شما هستند و نباید دچار دودستگی شد.